

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



نگاهی بر ابعاد اعجاز قرآن از دیدگاه علامه سید محمدحسین طباطبائی

رسول صفائی نمین^۱، رسا صفائی نمین^۲، سالار هرمزپور^۳

^۳ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی dr.rasoulrassa@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران Rassasafaei11@gmail.com

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مدیریت نیروی انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا salar.hp1371@gmail.com

چکیده

خدای عزوجل براساس «خالقیت» برای هدایت و راه یابی انسان به سوی کمالات انسانی، پیامبرانی را برگزید و گواهی حقانیت دعوت هر یک را از راه معجزه روشن ساخت. حضرت خاتم(ص) را نیز «کتاب» داد، اما آن را معجزه گردانید تا نشانه ی صدق رسول اعظمش(ص) باشد و از همین رو اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه هر دو گروه شیفتگان و معاندان قرار گرفت. قرآن با توجه به هدف نزول، کتاب انسان سازی است و تمامی مطالب آن در راستای رشد، تعالی، تربیت و تکامل اوست، اما اشارات گذرا بر مسایل علمی، اسرار وجود، کاینات و هستی، اعجاز علمی این کتاب الهی را قوت بخشیده است. مسایل علمی مورد اشاره ی قرآن از اموری است که در صدر اسلام، راهی برای شناخت آن ها نبود، مگر از راه وحی. همین مسایل علمی با پیشرفت روزافزون دانش بشری آن چنان مورد توجه قرار گرفت که عظمت علمی قرآن نزد دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان از مسایل مسلم بود. هنوز هم در بسیاری موارد بشر از درک مسایل علمی قرآن عاجز است و باید هزاران سال بگذرد تا نکات دقیق علمی این کتاب الهی مورد شناسایی واقع شود. از نظر قرآن مجید اگرچه علوم مختلف می تواند راهنمای بشر برای یافتن حق و حقیقت باشد، اما سرلوحه ی جهان بینی حقیقی خداشناسی است؛ و چنانچه انسان بخواهد خود را سرگرم علوم مختلف نموده و از شناختن حق و حقیقت باز ماند، قرآن مجید چنین علمی را مساوی جهل می داند؛ از همین رو طبیعت شناسی می تواند در افزون بخشی معرفت انسان و تقرب به خداوند مؤثر باشد. مقاله فوق توصیفی و تحلیلی می باشد و با استفاده از کتاب ها و مقالات معتبر جمع آوری گردیده، هدف تدوین بررسی اعجاز قرآن در وجوه قرآنی و دیدگاه عالم بزرگ علامه طباطبائی می باشد.

واژه های کلیدی

علامه طباطبائی، اعجاز قرآن، جاودانگی، کتاب الهی

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱. مقدمه

در مقایسه اللغه آمده است که «صمد» دو ریشه اصلی دارد: یکی به معنی قصد است و دیگری به معنی صلابت و استحکام و اینکه به خداوند متعال «صمد» گفته می‌شود، به خاطر این است که بندگان قصد درگاه او می‌کنند و شاید به همین مناسبت است که معانی متعدد زیر نیز در کتب لغت برای صمد ذکر شده است. شخص بزرگی که در منتهای عظمت است، کسی که مردم در حواشی خویش به سوی او می‌روند، کسی که برتر از او چیزی نیست و کسی که دایم و باقی بعد از فناء خلق است؛ و در حدیثی می‌خوانیم که محمد بن حنفیه از امیر مؤمنان علی ع درباره «صمد» سؤال کرد حضرت فرمود: تأویل صمد آن است که او نه اسم است و نه جسم؛ نه مانند و نه شبیه دارد و نه صورت و نه تمثال؛ نه حد و حدود؛ نه محل و نه مکان؛ نه کیف و نه این اینجا و نه آنجا؛ نه پر است و نه خالی؛ نه ایستاده است و نه نشسته؛ نه سکون دارد و نه حرکت؛ نه ظلمانی است نه نورانی؛ نه روحانی است و نه نفسانی و در عین حال هیچ محلی از او خالی نیست و هیچ مکانی گنجایش او را ندارد؛ نه رنگ دارد و نه بر قلب انسانی خطور کرده و نه بو برای او موجود است. همه این‌ها از ذات پاکش منتفی است. [۱]

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که «صمد» مفهوم بسیار جامع و وسیعی دارد که هر گونه صفات مخلوقات را از ساحت مقدسش نفی می‌کند؛ چرا که اسم‌های مشخص و محدود و همچنین جسمیت، رنگ، بو، مکان، سکون، حرکت، کیفیت، حد و حدود و مانند اینها، همه از صفات ممکنات و مخلوقات است، بلکه غالباً اوصاف جهان ماده است و می‌دانیم خداوند از همه این‌ها برتر و بالاتر است. [۲]

در اکتشافات اخیر آمده است که تمام اشیای جهان ماده، از ذرات بسیار کوچکی به نام اتم تشکیل یافته و اتم خود نیز مرکب از دو قسمت عمده است؛ هسته مرکزی و الکترون‌هایی که به دور آن در گردش است و عجیب اینکه در میان آن هسته و الکترون‌ها فاصله زیادی وجود دارد (البته زیاد در مقایسه با حجم اتم) به طوری که اگر این فاصله برداشته شود، اجسام به قدری کوچک می‌شوند که برای ما حیرت آور است. مثلاً اگر فاصله های اتمی ذرات وجود یک انسان را بردارند و او را کاملاً فشرده کنند، ممکن است به صورت ذره‌ای درآید که دیدنش با چشم مشکل باشد، ولی با این حال، تمام وزن بدن یک انسان را داراست؛ مثلاً همین ذره ناچیز ۶۰ کیلو وزن دارد. [۱]

بعضی با استفاده از این اکتشاف علمی و با توجه به اینکه یکی از معانی «صمد» وجودی است که تو خالی و اجوف نیست، چنین نتیجه گرفته اند که قرآن می‌خواهد با این تعبیر هرگونه جسمانیتی را از خدا نفی کند؛ چرا که تمام اجسام از اتم تشکیل یافته اند و اتم تو خالی است و به این ترتیب، آیه می‌تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد. ولی نباید فراموش کرد که «صمد» در اصل لغت به معنی شخص بزرگی است که همه نیازمندان به سوی او می‌روند و از هر نظر پر و کامل است و ظاهراً بقیه معانی و تفسیرهای دیگری که برای آن ذکر شده، به همین ریشه باز می‌گردد. [۳]

همان گونه که گذشت، اعجاز علمی در یک آیه قرآن متوقف بر آن است که دلالت آیه بر مطلب علمی قطعی، روشن و صریح باشد؛ بنابراین، اگر معنای آیه تحمل وجوه مختلف را داشته باشد، ادعای اعجاز نمی‌توان کرد مگر آنکه قرینه روشنی بر آن معنا وجود داشته باشد. در آیه مذکور، کلمه «صمد» معانی متعددی مثل جسم تو خالی، سید، قصد و ... دارد. پس ممکن است گفته شود با توجه به قرآینی، چون آیات قبل و بعد که موضوع آن‌ها صرفاً توحید است، اشاره به اتم‌های تو خالی مادی را از ارتکاز ذهنی مخاطبان حتی پس از کشف اتم دور می‌کند.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۲. مبانی نظری تحقیق

وجوه اعجاز قرآن از نظر علامه طباطبائی

علامه سید محمدحسین طباطبائی (ت ۱۴۰۵ هـ.ق). مفسر گرانقدر معاصر، فیلسوف و متکلم زبردست جهان تشیع، بحث اعجاز قرآن را در ذیل آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره، مطرح می نماید و معتقد است که آیات تحدی، دلالت بر اعجاز قرآن دارد و تحدی قرآن عام و فراگیر بوده و شامل همه وجوه آن می شود؛ مانند تحدی عام در آیه شریفه:

«قُلْ لَنْ أَجْتَمِعَ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ...» ای پیامبر! بگو اگر تمامی جن و انس، همه جمع شوند، نمی توانند مانند قرآن را بیاورند. ...

این آیه همان گونه که مشخص است حکایت از اعجاز قرآن در جنبه های گوناگون دارد.

ایشان بیان می دارد که اگر تحدی، فقط در بلاغت قرآن و اسلوب زبانی آن بود، نمی باید دامنه شمول خطاب آن از عربهای خاص فراتر برود، در حالی که آیه شریفه یادشده، همه انس و جن را مورد خطاب قرار داده است و از این رو معلوم می شود که اعجاز قرآن تنها از نظر اسلوب زبانی نیست و همین طور اگر صفت خاصی غیر از بلاغت و جزالت اسلوب، به تنهایی مورد تحدی قرآن بود، می باید خطاب قرآن متوجه گروه خاصی باشد، در حالی که تحدی عام و برای همه می باشد.

عمومیت خطاب تحدی، حکایت از آن دارد که خداوند، همگان را به همانندآوری دعوت کرده است؛ لذا قرآن برای همه، معجزه است و اختصاصی به گروه خاصی ندارد و نیز اعجاز قرآن، تنها در بلاغت قرآن، یا معارف، اخلاق، قوانین صالح، اخبار غیبی و ... نیست؛ چون هر یک از آن جهات را، گروه خاصی از انس و جن می فهمند. [۴] بدین جهت ایشان در مورد اعجاز قرآن می فرماید:

بنابراین، قرآن کریم، هم برای بلیغ ترین و فصیح ترین افراد، در فصاحت و بلاغت معجزه است و هم برای حکما در حکمت های آن و هم برای علما در مطالب علمی و هم برای عالم اجتماعی، در مسایل اجتماعی و هم برای قانون گذاران، در قوانین و مقررات و هم برای سیاست گذاران، در سیاست و هم برای حکام، در حکومت و برای تمامی جهانیان در آن حقایقی است که راهی برای کشف آن ندارند، مانند امور غیبی و مواردی که انسان در شناخت رسیدن به آن حقایق، دچار سردرگمی است. [۵]

ایشان مجدداً تأکید می کند که اعجاز قرآن، از تمامی جهات است و قرآن در هر جهت، دعوی اعجاز می نماید، برای تمامی افراد انس و جن، عوام و خواص، عالم و جاهل، مرد و زن، متخصصان و افراد عادی و ... و هر انسانی، از این فطرت برخوردار است که فضیلت را تشخیص دهد و کم و زیاد آن را درک کند؛ علامه در این خصوص می گوید: [۶]

آیا هیچ عاقلی به خود جرأت می دهد که کتابی بیاورد و ادعای آن را داشته باشد که آن، کتاب هدایت برای تمامی مردم عالم است و آن گاه در آن اخبار غیبی از گذشته و آینده و از امتهای گذشته و آینده، نه یکی، نه دو تا، آن هم در بابهای مختلف داستانهای گذشتگان و امور غیبی نسبت به آینده آمده باشد به شکلی که هیچ یک از آنها، کوچکترین تخلفی از واقع نداشته باشند؟

و ایشان، سپس بیان می دارد که انسان عاقل و کسی که می تواند این معانی و قضایا را تحلیل و تعقل کند، شکی برای او باقی نمی ماند که این مزایای کلی و غیر آنکه قرآن مشتمل بر آنهاست، فوق طاقت بشری و بیرون از حیطه وسایل طبیعی و مادی است. مرحوم علامه طباطبائی، در مورد عمومیت اعجاز قرآن برای همه، این نکته را نیز بیان می دارد که اگر کسی بگوید: «فایده عمومیت تحدی برای همه در چیست؟ و تحدی عموم مردم چه فایده ای دارد؟ تنها باید خواص بفهمند که قرآن معجزه است و در آن صورت، کافی خواهد بود؛ زیرا عوام مردم در مقابل هر دعوتی، زود تسلیم می شوند و زودباورند؛ مگر همین عامه مردم نبودند که در برابر دعوت امثال بهاء و قادیانی و مسیلمه ی کذاب خاضع شده و تسلیم آنها شدند، در حالی که آنچه آنها آورده بودند، به هذیان و بیهودگی بیشتر شبیه بود؛» [۷] باید پاسخ داد: برای اعجاز عمومی، جز این راهی نیست و برای تشخیص و تمییز کمال، در موضوعی که از درجات و مراتب متعددی برخوردار است، راهی غیر از این وجود ندارد؛ لکن

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



چون مراتب فهم افراد در تشخیص کمالات، متفاوت است، و کمالات هم دارای مراتبی است، برای تشخیص برتری و تفوق امری بر امر دیگر، صاحب نظران هر فن می باید ارائه نظر نمایند و دیگران به آنها مراجعه نمایند؛ ضمن آنکه فطرت و غریزه انسانی نیز در این موارد به یاری انسان می شتابد و او را یاری می رساند؛ بویژه اعجاز عمومی قرآن از سنخ رؤیت بصری یا حادثه خاصی نیست که مربوط به زمان و مکان خاصی باشد، بلکه از سنخ علم و معرفت است و از این جهت، زمینه اظهار نظر در خصوص آن برای همه صاحبان معرفت و در همه ایام مقدور و ممکن است و هر کس به قدر توانش، زمینه معرفت آن را دارد؛ پس تحدی و تعجیز قرآن، عمومی و معجزه بودنش برای همه و برای تمام اعصار است. [۵]

علامه طباطبائی، در ادامه، به برخی از وجوه تحدی قرآن می پردازد، که نشانگر وجوه اعجاز قرآن از نظر ایشان است که به اختصار، چنین هستند:

اعجاز علمی

قرآن، به واسطه آیات شریفه: [۷؛۸]

«... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ...»؛ این کتاب را بر تو نازل کردیم، تا هر مطلبی را بیان کند؛

«... وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ...»؛ هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در این کتاب واضح است.

و همچنین آیات دیگر، تحدی به علم و معرفت نموده است، به جهت اینکه هر کس در متن تعلیمات عالیہ اسلام سیر کند، اعم از آن کلیاتی که قرآن ذکر کرده و جزئیاتی که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مضمون آیه شریفه بیان شده است:

«... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...»؛ آن چه را پیغمبر از دستورات برای شما آورده بگیرید و از هر چه نهی نموده، پرهیز نمایید.

در می یابد که قرآن، متعرض هر موضوعی اعم از کوچک و بزرگ می باشد.

همه ی مطالب فلسفی، اخلاقی، قوانین دینی، سیاسی، اجتماعی و هر چیز دیگری که انسانها در مرحله عمل بدان نیازمندند، نه تنها قرآن متعرض آنها می باشد، بلکه جزئی ترین مسایل را نیز متعرض شده است و عجیب است که تمام معارفش بر اساس فطرت و اصل توحید بنا شده است. [۱۰]

ایشان در پاسخ به این سؤال، که اگر کسی بگوید: «امروزه دانشمندان علوم اجتماعی، معتقدند که قوانین اجتماعی، باید با تحول اجتماع و تکامل آن، متحول شوند و معنا ندارد که این گونه قوانین، ثابت باشند»، می گوید:

قوانین آسمانی قرآن با قوانین بشری تفاوت اساسی دارد و آن اینکه قوانین الهی بر اساس توحید و اخلاق فاضله غریزی بنا نهاده شده و همواره ثابت هستند؛ ولی، قوانین قانون گذاران بشری که بر اساس معنویات و توحید نیست، طبیعی است که با تحول جامعه، دچار تحول شوند.

اعجاز به نبی امی

قرآن، بشر را به شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که آورده قرآن است، تحدی نموده است، پیامبری که «امی» است، درس نخوانده و نزد کسی تعلیم ندیده؛ کتابی که او آورده، هم الفاظش معجزه است و هم معانی و محتوایش فوق العاده است. [۹]

خداوند در قرآن می فرماید:

«قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِيكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ، أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ بگو، اگر خدا می خواست، قرآن را بر شما نمی خواندم و شما را از آن باخبر نمی ساختم، من مدت‌ها قبل از آن، در میان شما بودم (و چنین کلماتی از من صادر نمی شد) آیا هیچ فکر نمی کنید؟

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



علامه طباطبائی بیان می دارد که، همه می دانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سالها در بین مردم بود و همانند آنان زندگی می کرد، تا آنکه ادعای رسالت نمود و مردم را به آوردن همانند قرآن، تحدی و دعوت کرد و آنها از آوردن مانند آن عاجز شدند و هیچ کس نتوانست در مقام معارضه با آن بر آید و هیچ عاقلی و خردمندی در توان خود ندید که چنین کاری را انجام دهد. [۱۱] از این جهت، تحدی به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) - با آن ویژگیهای شخصی که داشت - شده است که اگر کسی می تواند مانند چنین قرآنی را بیاورد.

اعجاز اخبار غیبی

علامه طباطبائی از دیگر وجوه اعجاز قرآن را «اخبار غیبی» آن می داند و بیان می نماید: در آیات بسیاری، خداوند به خبرهای غیبی خود، تحدی نموده است و به دیگران اعلام داشته است که اگر در آسمانی بودن این کتاب تردید دارید، کتابی نظیر آن، مشتمل بر اخبار غیبی بیاورید؛ مانند آیه شریفه «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا...» و همین طور آیات دیگری که از سرگذشت‌های انبیای گذشته و امتهای آنها و نیز از آینده خبر می دهند و یا حوادث بزرگ جهان اسلام را پس از نزول وحی ترسیم می کنند. [۱۲]

اعجاز قرآن، سلامت از اختلاف

از جمله تحدی های قرآن، این است که با وسعت و گستردگی موجود در معارف و مطالبش، اختلاف و تناقضی در آن نمی توان یافت؛ بدین جهت، علامه طباطبایی با استناد به آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» تأکید می کند که حیات دنیا، حیات مادی و قانون حاکم در آن، تحول و تکامل است؛ [۱۳] هیچ موجودی از موجودات این عالم نیست، مگر آنکه دچار تحول و تکامل خواهد بود، از جمله، انسان و افعال و آثار او که به کمک فکر و اندیشه او شکل گرفته است و هر یک از ما خود را از روز قبل کامل تر می بیند.

از طرفی، قرآن هم بتدریج نازل شده: برخی از آیات در مکه و برخی دیگر در مدینه و در شرایط متفاوت؛ ولی با وجود این، کوچکترین اختلافی در محتوا و ترتیب مطالب آن دیده نمی شود؛ بلکه برخی از آیات، مفسر برخی دیگر می باشند و اگر از نزد غیر خدا می بود، همواره نظم الفاظ آن از نظر خوبی و حُسن، دچار دگرگونی می شد و معانی از نظر صحت و اتقان، متغایر می گشت. [۱۴]

علامه سپس می گوید: اگر شخص اشکال کند که آنچه را شما می گوید، صرف ادعاست و بسا در قرآن، تناقضها و اشکال هایی از نظر برخی وجود دارد، چه تناقض ها در الفاظ و چه مربوط به محتوا و معانی قرآن ایشان در پاسخ می گوید: اشکال ها و تناقضاتی که گفته شد، در کتاب های تفسیر، به آن پاسخ داده شده و گفته شده که آنها دلیلی بر تناقض قرآن نیست، بلکه برخی از آیات، مفسر یکدیگر و عام و خاصند.

به عنوان مثال: اگر کسی بگوید: وجود نسخ در آیات خود نوعی تناقض است، چون از طرفی برخی آیات نسخ شده و از طرفی خود قرآن می فرماید: «هیچ آیه ای را نسخ نمی کنیم و از یاد مردم نمی بریم، مگر آنکه آیه ای بهتر از آن آوریم؟» و آیا نسخ چیزی جز اختلاف نظر و تجدید رأی است؟

علامه طباطبائی در پاسخ می فرماید: نسخ، نه از سنخ و نوع تناقض گویی است و نه از قبیل تفاوت در نظر، بلکه نسخ، ناشی از اختلاف در مصداق است؛ به این معنا که یک مصداق، چون در شرایط معینی ممکن است دارای مصالحی باشد، [۱۵] حکم خاصی دارد و همین که شرایط آن عوض شد، حکم آن هم تغییر می کند؛ مثلاً: در آغاز دعوت اسلام و ضعف مسلمانان، اگر یهودیان در صدد برمی آمدند تا با مسلمانان برخورد کنند، مصلحت در عفو بود؛ ولی پس از قدرت اسلام، حکم عفو برداشته شد و حکم جهاد و یا جزیه گرفتن صادر شد و مشخص شد که حکم قبلی، موقت و دارای مصلحت خاصی بوده است. [۱۶]

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اعجاز بلاغی

مرحوم علامه طباطبائی، بیان می دارد که از جمله وجوه اعجاز قرآن، بلاغت آن است؛ زیرا عرب آن روز، تنها بهره ای که از علم و فرهنگ داشت، سخنرانی و بلاغت در آن بود و تاریخ گواه بر آن است که عرب خالص آن دوران، قبل از آنکه زبانش با اقوام دیگر مختلط شود و اصالت خود را از دست بدهد، [۱] در زبان به اوج خود رسیده بود و در جزالت نظم و وفای لفظ و رعایت مقام و سهولت منطق، بی نظیر بود و بدین جهت، قرآن آنها را با شدیدترین شکل، دعوت به همانندآوری در الفاظ قرآن و بلاغت آن نمود و در آیات فراوانی مانند «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرْتَهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَةٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَفْتَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» آنها را به مبارزه طلبی دعوت کرد. [۱۷]

از سوی دیگر، تحدی قرآن، یکبار و دو بار نبوده، تا عرب آن فراموش کند، بلکه مستمر بود و عرب آن زمان با آن برجستگیهای زبانی، نتوانست برای تسکین حمیت و غیرت خود، کاری را صورت دهد، و ناتوانی و عجز خود را در برابر قرآن اعلام نمود؛ با توجه به این تحدی که تاکنون ادامه دارد، هنوز کسی نتوانسته کتابی نظیر قرآن را بیاورد، و اگر کسی نیز به میدان آمده، خود را رسوا و مفتضح نموده است؛ [۱۸] مانند گفتار مسیلمه کذاب که در مقام معارضه با سوره فیل برآمده و چنین گفته است: «الفیل و مالفیل و ما أدریک مالفیل له دنب و بیل و خرطوم طویل» یعنی: فیل، چه فیلی؟ نمی دانی چه فیلی؟ دارای دم زمختی و خرطوم طویلی.

علامه طباطبائی در ادامه به دو اشکال می پردازد و سپس پاسخ آنها را بیان می کند و می فرماید: [۱۹؛ ۵؛ ۷]

۱. اگر کسی بگوید: چگونه ممکن است جمله بندی ها و کلمات به شکلی مرتب شوند که فکر بشر از آوردن مانند آن عاجز باشد، با اینکه کلام و جمله، ساخته ذهن خود انسان است و چگونه ممکن است برای خود او معجزه باشد، یا اینکه فاعل می باید اقوی از فعل خویش باشد؟

۲. از طرفی، اگر در میان اقسام جمله بندی ها و قالبهای زبانی، نوعی پیدا شود که برترین است و فوق طاقت بشری، یعنی معجزه است، پس می باید بپذیریم که قالبهای زبانی و ترکیبات کلامی، از درجات مختلفی برخوردار هستند، که بالاترین مرتبه آن معجزه و در اوج کمال است و پایین ترین مرتبه آن، سخن عادی است؛ لازمه این سخن این است که در هر مطلبی، بیش از یک نوع بیان، نمی تواند معجزه باشد، در حالی که در قرآن، یک حقیقت، در قالبهای متعدد و بیانهای مختلف ذکر شده است؛ بنابراین، فقط یک نوع آن معجزه است و نه همه آنها، مانند قصه های قرآنی که تکرار یک حقیقت است و می باید یک نقل آن، معجزه باشد و نه همه آنها.

ایشان در پاسخ به دو اشکال یادشده می فرماید: در باب فصاحت و بلاغت کلام، سه جهت در کنار هم لازم است که ممکن است هر سه جهت در کنار هم لازم است که ممکن است هر سه جهت از آنها در کلامی جمع گردد و کلام، فصیح شود و نیز ممکن است برخی از آنها حاصل نشوند و کلام به رتبه فصاحت نرسد که آنها چنین است: [۲۰]

۱. احاطه به لغات

که ممکن است برای برخی افراد، تمامی لغات یک زبان، شناخت شده باشد، گرچه ممکن است نتواند از آنها استفاده کند؛

۲. قدرت بیان

که همان مهارت در سخنوری است؛ یعنی: فردی خوب می تواند سخن بگوید، گرچه ممکن است حرف خوبی برای گفتن نداشته باشد و از معارف بی خبر است و بدین جهت، سخن او، چه بسا جاذب نباشد؛

۳. قدرت فکر و لطافت ذوق

که موجب می شود اگر شخص، از معارف بلندی برخوردار است، آنها را در قالبی زیبا ترسیم نماید و بسا که از لطافت ذوق برخوردار است، ولی چون از مطالب و معارف ارزشمندی برخوردار نیست، باز کلام او جاذب نیست.

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



علامه طباطبائی می گوید: آنچه که مربوط به قریحه انسان است، همان مرحله اول است، ولی زیباسازی کلام، لطافت ذوق و قدرت بیان، چیزی نیست که به صورت کامل در توان انسان باشد و ربطی به قریحه ی وی ندارد، بلکه مراحل بالاتری است که بسا در برخی از مراحل، انسان از آن عاجز است و ممکن است کلماتی ساخته شود که ذهن انسان هم از برآوردن آنها عاجز باشد و بدین جهت ایشان می فرماید: [۲۱]

صرف اینکه واژه ها، و زبانها ساخته ی قریحه آدمی است، باعث نمی شود که ساختن کلام معجزه آسا از آنها محال باشد بلکه ممکن است از همان کلمات، عباراتی معجزه آسا، خلق شود که از توان انسان هم خارج است و این سخن مانند کلام کسی است که می گوید: «آهنگری که سازنده ی شمشیر است، می باید شجاع تر از کسی باشد که آن را به کار می برد». [۲۲] (در مَثَل گفته شده: لازم نیست سازنده شمشیر از همه بهتر شمشیر بزند)

ایشان تأکید می کند که بلاغت کامل، متکی به ذهن لطیف و آگاه است که تحقق آن برای همگان مقدور نیست و بخشی از آن به الفاظ و بخشی از آن به معانی برمی گردد و هر کس از معانی لطیف تری برخوردار باشد می تواند الفاظ و معانی لطیفی در قالبهای معجزه آسا، گرچه در یک موضوع و قصه واحد، ارائه نماید و چنین کاری در اختیار خدا است؛ به عنوان مثال: قصه نوح را در چند مرتبه تکرار نموده است و هر کدام نیز از لطافت و ذوق بالایی برخوردار هستند. [۲۳]

روشن است که بلاغتی که معجزه آسا است، تنها بر محور الفاظ نبود، تا اینکه گفته شود: عالی ترین ترکیبهای لفظ یک ترکیب بیش نیست؛ بلکه مربوط به الفاظ و معانی رسا و کاملی بود که می توانست یک موضوع را با جهت های متفاوت و با اهداف متفاوت به قالب الفاظ درآورد و آنها را معجزه نماید و بدین جهت حضرت علامه در پایان تأکید می کند: [۲۴]

بلاغتی که معجزه است، تنها دایره مدار الفاظ نیست تا گفته شود: انسان که خود واضع لغت است، چگونه نمی تواند بلیغ ترین کلامها را بیاورد؟ یا اینکه گفته شود: رساترین ترکیب های مقصور، ترکیب واحد است و چگونه ممکن است از معنای واحد، ترکیب های متعددی معجزه گونه فراهم شود؟ بلکه (باید گفت) مدار در بلاغت، معنایی است که دربرگیرنده تمامی معانی ذهنی و جهات خارجی است.

راز جاودانگی اعجاز قرآن

معجزه قرآن، با معجزات پیامبران پیشین وجوه تمایز اساسی و جوهری دارد. اساسی ترین آن جاودانه بودن است؛ زیرا معجزات پیامبران گذشته با خرق قوانین کونی این حقیقت را که پیامبران فوق فرستادگان خدای عزوجل اند، به اثبات رسانیده و سپس با مرگ همان پیامبران، آن ها نیز معجزه به پایان رسیده است؛ در حالی که معجزه ی قرآن جاودانه است و با گذشت روزگار از بین نمی رود، و رحلت رسول اکرم(ص) نیز پایان آن نخواهد بود و برای همیشه در صحنه زمان و زندگی حاضر است. [۲۵]

شاهد این مطلب آیاتی از قرآن است، که هر روز در معانی و مبانی علمی ابعاد و اعماق جدیدی را برای بشر به ارمغان می آورد؛ به گونه ای که حتی مردم عصر نزول از آن بی بهره بودند.

وجوه اعجاز قرآن

جوانب اعجاز قرآن بسیار متنوع و متعدد است. گذشت زمان و تدبر در علوم مختلف قرآنی امکان دسترسی به ابعاد دیگر اعجاز قرآن را میسر می سازد که در پیش از آن به روشنی آشکار نبوده است.

مواردی از اعجاز قرآن را که شواهد آن ها در این کتاب مقدس موجود است، بر می شمیریم: [۱۹؛۲۰؛۲۶]

۱. فصاحت و بلاغت؛ زیبایی ظاهر، عمق باطن، متانت، عفت بیان، صراحت، قاطعیت، گستردگی مفاهیم و هماهنگی لفظ و معنا مورد توجه ادبای بزرگ است؛ همچنان که گفته اند: اگر کلمه ای از قرآن برداشته شود، لغت دیگری را نمی توان جایگزین آن نمود، حتی اگر همه واژه های عرب مورد بررسی قرار گیرد.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۲. بیان معارف و مسایل عقیدتی؛ قرآن در باب معرفت و شناخت و ترسیم برنامه زندگی معجزه کرده است. شناخت مبدأ و معاد، هدف از خلقت و شناخت انسان و تصرفات او در طبیعت مطالب بسیار مهم و با ارزشی است که همواره مورد توجه قرآن قرار دارد.

۳. توجه و تأکید بر علوم روز و اکتشافات علمی؛ اگر بخشی از اسرار علوم و حقایق عالم هستی در قرآن آمده است نه به عنوان عرضه کردن علوم طبیعی و مانند آن به سبک یک دایره المعارف، بلکه به منظور اهداف تربیتی و اخلاقی و تعلیم درس توحید و خداشناسی و فهم اسماء و صفات حق و آشنا شدن با گوشه ای از اسرار معاد و مانند آن است. قرآن مجید در بحث های تربیتی و توحیدی خود پرده از یک سلسله حقایق نهان علمی برداشته و پیروان خود را در کشف و علم به حقایق عالم هستی تحریص و یاری نموده و ارتباط خود را با جهان مافوق ماده و محیط محدود افکار بشری اثبات می کند.

۴. اعجاز قرآن از نظر تاریخ؛ به یقین قرآن مجید یک کتاب تاریخی نیست، اما به دلایل گوناگون بحث های تاریخی فراوان دارد؛ چرا که مسایل تربیتی اجتماعی را نمی توان از تاریخ گذشتگان جدا نمود. تاریخ، بزرگ ترین آزمایشگاه زندگی و محک بسیار خوبی برای روشن ساختن ارزش های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جداسازی حقایق از اوهام و ارزش ها از ضد ارزش هاست. تاریخ آب حیات ادوار زندگی بشر است. بخش مهمی از مباحث تربیتی، مواظط و اندرز ها، بشارت ها و اندازهای قرآن در قالب مسایل تاریخی بیان شده، و زیبایی و گویایی بی نظیر آن مخاطبان را متوجه اهداف عالی خود می نماید. مطالعه ی عمیق و اندیشه درباره ی فرازهای تاریخی سوره های مبارکه ی یوسف، انبیا، طه، قصص، مریم، آل عمران، بقره و ... گواه این ادعاست.

۵. اعجاز از نظر وضع قوانین؛ خاتمیت پیامبر اسلام(ص) و ابدی بودن قرآن مجید مستلزم طرح قوانینی دقیق است، که با گذشت زمان و دگرگون شدن نیازهای بشری کهنه نمی شود و نه تنها قادر به برطرف ساختن نیازهای قانونی عصر پیامبر(ص) - عصر نزول قرآن - است، بلکه قرون متمادی تا آخرالزمان از آن بهره ها خواهد برد.

۶. بیان اخبار غیبی؛ خبرهای قرآن در سه مقطع زمانی گذشته، حال و آینده است. اخبار غیبی گذشته مربوط به بسیاری از حوادث پیشین است، که به صورت نادرست و تحریف شده در بین مردم شایع گردیده و قرآن شکل صحیح و واقعی آن ها را شرح داده است. یکی از اخبار غیبی مربوط به آینده، پیش بینی جنگ بین روم و فارس است که فارس، مقارن نزول قرآن پیروز شد، ولی پس از گذشت ده سال؛ همان گونه که قرآن خبر داده بود روم غلبه یافت.

۷. نبود تناقض در قرآن؛ یکی دیگر از نشانه های معجزه بودن قرآن مجید و نزول آن از سوی خداوند؛ نه تنها نبود هیچ گونه تناقضی، بلکه تکمیل و تقسیم مطالب یکدیگر است. قرآن که در مدت ۲۳ سال گونه های احتیاج و نیاز بشر را تأمین نموده و درباره موضوعات بسیار متنوع سخن می گوید، دارای آنچنان قوت و هماهنگی کامل بین مطالب است که طرح اختلاف و ناوزنی و تضاد را از مخالفان و معاندان خود گرفته است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و اسنادی بوده و به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتاب ها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی داده های آن فراهم شده است.

۴. پیشینه تحقیق

علیانسب و امیری (۱۳۹۳)؛ نوشتار حاضر با توجه به شبهات مطرح در خصوص جاودانگی قرآن و در پاسخ به ادعای محدود بودن پیام قرآن به زمان یا مکان خاصی نگارش یافته است. چنین مساله ای از جوانب مختلف می تواند مورد بررسی قرار گیرد، لکن این مقال درصدد تبیین دیدگاه علمی و استدلال های علامه طباطبایی و راه گشایی اندیشه های او در خصوص فرامکانی و

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



فرازمانی بودن پیام قرآن، و در پاسخ به این سوال است که؛ گستره‌ی شمول و عمومیت زمانی و مکانی پیام قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی چقدر است؟ بر این اساس، این مقال، دلایل جاودانگی قرآن را از دیدگاه علامه طباطبایی به روش اسنادی و رویکرد قرآنی تبیین کرده است. علامه طباطبایی، با استناد به آیات قرآن در سه دسته - که دسته اول با عنوان آیات جاودانگی قرآن؛ شامل آیات حفظ، عزت، تحدی، تدبر و تبیان، دسته دوم با عنوان آیات جاودانگی دعوت؛ مشتمل بر آیات انذار، هدایت، تذکر و شمولیت خطاب‌های قرآنی، و دسته سوم با عنوان جاودانگی رسالت پیامبر؛ شامل آیات بعثت و اظهار دین اسلام بر سایر ادیان - بر جاودانگی قرآن کریم استدلال کرده است. علامه طباطبایی با نقل روایات در پنج دسته؛ شامل نو بودن قرآن در هر زمان، روایات جری و تطبیق، حدیث ثقلین، روایات هادی بودن قرآن و روایات بطن، بر جاودانگی قرآن استدلال کرده و بدین نتیجه رسیده که پیام‌های قرآنی برای همه جهانیان در همه مکان‌ها جاودان و شامل است. [۲۷]

شریفی (۱۳۸۹)؛ بحث پیرامون تحریف و یا عدم تحریف قرآن کریم، از دیرباز توجه محدثین، اخباریون و مفسران شیعه و سنی، حتی علماء ادیان دیگر را به خود معطوف نموده است. هر گروه با استناد به دسته ای از روایات، در پی اثبات نظریه خود می باشد. البته قائلان به تحریف نیز، سخنی از زیادت به میان نیاورده اند و تنها از وقوع برخی نقیصه ها سخن رانده اند که علامه طباطبایی - طی هفت فصل - با استدلالات روشن و قطعی این دعا را رد نموده و عدم ایجاد هر گونه تحریفی در قرآن را به اثبات رسانده است. ما در این نوشته پس از تعریف واژه تحریف و بیان عوامل پیدایش نظریه تحریف، این هفت فصل را به طور مختصر می آوریم. [۲۸]

حسن زاده (۱۳۹۲)؛ از نظر قرآن خداوند متعال قاهری است فوق هر چیز و در هیچ شانی از شوون خود محدود نمی شود؛ وجودی است که هیچ حد، مرز و قید و شرط در او راه ندارد. همچنین اتصاف او به وحدت و کثرت عددی محال است. قرآن کریم وحدت عددی و کثرت عددی را از پروردگار جهان نفی می کند و جهتش این است که لازمه وحدت عددی محدودیت و مقدوریت است و واحدی که وحدتش عددی است، به طور قطع محدود به حدود مکانی و زمانی و هزاران حدود دیگر است و نیز مقذور و محاط فاعل مدرک واقع می شود. قرآن خدای تعالی را منزله از این می داند که محاط و مقذور چیزی واقع شود و کسی بر او احاطه و تسلط بیابد. البته مطالب یاد شده به معنای ناتوانی و ممنوعیت کامل عقل بشر از شناخت خدا نیست، آنچنان که معطله و شکاکان ادعا می کنند، آنچه از وحی و حکمت الهی استفاده می شود، محدودیت قدرت سیر عقلانی بشر در شناخت کامل صفات خدا از جمله توحید حقه اوست. عقول بشر در عین ناتوانی از وصول به کنه معرفت باری تعالی، قادر به شناخت محدود اوست. انسان به اندازه درک و فهم خویش می تواند خدا، اسماء و صفات او را بفهمد، نه در حد عظمت، جلال و شکوه او. هدف این مقاله تفسیر دو اسم مبارک «احد» و «واحد» است که در نهایت منتهی به این نتیجه می شود که ذات حق متصف به وحدت حقه حقیقیه ذاتیه است. اقسام دیگر وحدت و اتحاد، از جمله وحدت عددی شایسته ذات اقدس الهی نیست. [۲۹]

ستوده (۱۳۹۸)؛ با توجه به اهمیت خدا شناسی در عقلانیت باورهای دینی، علامه طباطبایی در بحث اثبات وجود خدا، با تکیه بر تقریری از برهان صدیقین، مدعی بدهت علم حصولی به وجود خداوند است. لذا ضرورت دارد با تبیین این مساله علاوه بر فطری بودن شناخت خداوند، بر بدهت وجود خدا نیز تاکید شود. بر این اساس کوشیده ایم نخست با تکیه بر اصل واقعیت مطلق ضروری ازلی، ثابت کنیم اصل مذکور فقط بر واجب تعالی منطبق است. و بعد با ذکر مبادی تصویری و تصدیقی بدهت وجود خدا و بیان پذیرش بدهت علم حصولی به خداوند از سوی برخی، تلاش کرده ایم بدهت علم حصولی به خداوند را از نگاه مرحوم علامه طباطبایی به اثبات برسانیم. که در صورت اثبات بدهت مذکور، واجب تعالی به عنوان بدیهی اولی و اولین مسیله فلسفی ثابت می شود. بنابراین هدف از تحقیق، اثبات بدهت علم حصولی به خدا از رهگذر تقریر علامه طباطبایی در برهان صدیقین است. [۳۰]

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبای

hcwconf.ir



۵. نتیجه گیری

با عنایت به برخورداری قرآن از پاره ای صفات، از جمله جامعیت، ابتدای بر اصل توحید، انسجام و عدم اختلاف معانی، هدایت، نور، بینه، مبرهن بودن و...، باید اذعان نمود که سنخ اعجاز قرآن و شریعت محمدی (ص)، به کلی از سنخ اعجاز سایر شرایع ممتاز است؛ زیرا شرایع، معجزه ای محسوس، از سنخ ماده و محدود به زمان و مکان ارایه کردند و حال آن که اعجاز قرآن از سنخ دانش، فرا حسی، فایق بر گستره زمان و مکان و مسیطر بر تارک هستی است. طباطبایی بر این باور است که در دو تبیین نخست، عمومیت تحدی و اعجاز قرآن، و نیز جامعیت برگرفته از آن، ناظر بر گستره معارف مرتبط به هدایت انسان است، در حالی که در تبیین سوم، عمومیت و جامعیت مذکور، ناظر بر گستره اغراض الهی می باشد. نکته درخور تامل آن که در میان مفسران متقدم و معاصر، این تنها طباطبایی است که با ژرف نگری منحصر به فرد، به ابعاد نسبت موجود بین اعجاز قرآن و جامعیت آن عطف توجه نموده است.

منابع

- [۱] آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۲] ابراهیم، حافظ محمد. (بی تا). الإشارات العلمیه فی القرآن الکریم. قاهره: مکتبه غریب.
- [۳] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق.). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- [۴] ابوججر، احمد عمر. (۱۹۹۱م.). التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان. بیروت: دار قتب.
- [۵] بکری، شیخ امین. (۱۹۹۱م.). التعبیر الفنی فی القرآن. بیروت: دارالشروق.
- [۶] ذهبی، محمدحسین. (بی تا). التفسیر و المفسرون. بیروت: دارالقلم.
- [۷] رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق.). التفسیر الکبیر. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۸] رومی، فهدبن عبدالرحمان. (بی تا). اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر. بی جا: بی نا.
- [۹] زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. ج ۳. بیروت: دار الکتب العربی.
- [۱۰] سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر. (۱۴۲۲ق.). الإیتقان فی علوم القرآن. تصحیح محمدسالم هاشم. بیروت: منشورات ذوی القربی.
- [۱۱] صباغ، محمد. (۱۳۹۴). لمعات فی علوم القرآن. بیروت: مکتب الإسلامی.
- [۱۲] طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [۱۳] طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق.). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- [۱۴] طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۵] عبدالسلام، عبدالمجید محتسب. (۱۴۰۲ق.). اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن. اردن: مکتبه النهضه الإسلامیه.
- [۱۶] مظاهری طهرانی، بهاره، عباس مصلاهی پور و فرزانه روحانی مشهدی. (۱۳۹۵). «درآمدی بر مبانی کلامی تفسیر علمی قرآن کریم» آینه معرفت. س ۱۶. ش ۴۸. صص ۷۵-۹۹.
- [۱۷] مکارم، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. ج ۱۰. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



- [۱۸] نحاس، احمد بن محمد. (۱۴۲۱ق.). اعراب القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- [۱۹] ذهبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۱ق.). التفسیر و المفسرون. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
- [۲۰] زرکشی، بدرالدین. (۱۳۹۱ق.). البرهان فی العلوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- [۲۱] سیوطی، جلال الدین. (۱۳۶۳). الإقتان فی علوم القرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [۲۲] شریف الرضی، محمد بن حسین. (بی تا). نهج البلاغه. قم: دار الهجره.
- [۲۳] طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۹). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: منشورات جامعه المدرسین.
- [۲۴] طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۳۸۶ق.). الإحتجاج. تعلیق السید محمدباقر موسوی. النجف الأشرف: منشورات مطبعة التعمان.
- [۲۵] غزالی، محمد. (بی تا). احیاء العلوم. دمشق: عالم الکتب.
- [۲۶] کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق.). الأصول من الکافی. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- [۲۷] علیا نسب، سید ضیاء الدین، امیری، لیلا، (۱۳۹۳)، دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی، نشریه قرآن در آینه پژوهش، شماره ۲.
- [۲۸] شریفی، محمد، (۱۳۸۹)، تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی، نشریه بینات، شماره ۳.
- [۲۹] حسن زاده، صالح، (۱۳۹۲)، احادیث خدا در قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی، نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۳.
- [۳۰] ستوده، محمد مهدی، (۱۳۹۸)، براهت علم حصولی به وجود خدا از دیدگاه علامه طباطبائی، نشریه فلسفه و کلام، دوره ۵۱، شماره ۲.